

کاشف

هفته نامه فرهنگ، خبری
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت
دانشگاه تهران

سه شنبه

۶ دی ۱۴۰۱

۳ جمادی الثانی ۱۴۴۴

شماره ۲۷۳

kashef@quranetratschool.ir

www.QuranEtratSchool.ir

سال دوازدهم

ویژه نامه خطبه فدکیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْفًا رَحِيمًا، وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَعَقَابًا
عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاهُ وَجَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النِّسَاءِ، وَأَخَا الْفِكَ دُونَ الْأَخْلَاءِ، أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعِدُهُ فِي كُلِّ
أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا السَّعِيدُ، وَلَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا الشَّقِيُّ بَعِيدٌ.
خطبه فدکیه



شهادت گمنام

همزمان با تشییع شهدای گمنام در روز شهادت حضرت صدیقه کبری علیها السلام



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

احمد رضا اخوت

هیأت تحریریه:

اعضای مدرسه دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیهم السلام

@QuranEtratSchool

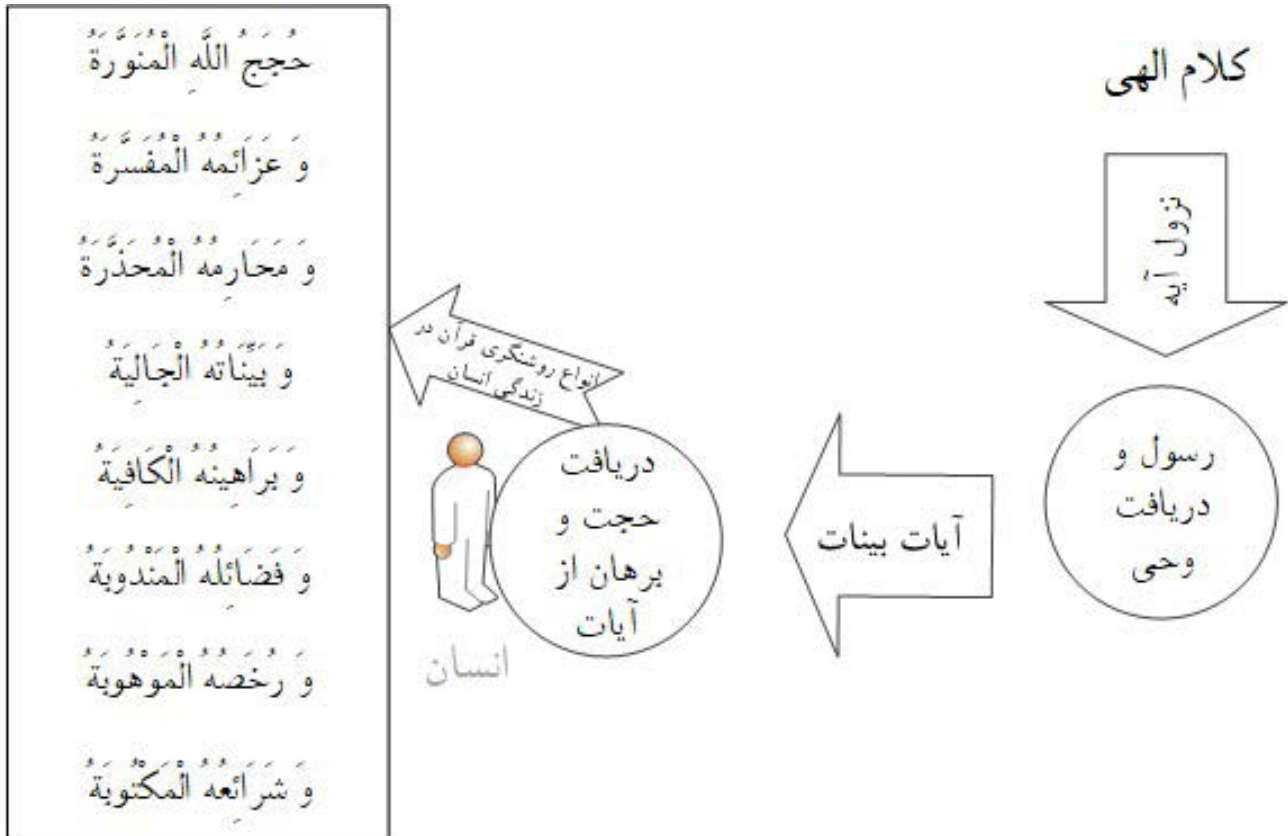


خطبه فدک یک اعجاز پرشانی

تمرین اعضای دوره برهان درباره فرازی از خطبه فدکيه

تمرین اول؛ استاد احمد رضا اخوت

ضمن تأمل و تدبر در بخش ذیل از خطبه فدکيه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بفرمایید درک کلی شما از این فراز چیست؟



پاسخ: کاظم رجبعلی

قرآن حجج الله منوره است و عزائم، محارم، بینات، براهین، فضائل، رخص و شرایع دارد. جنبه معیار بودن در آنها برجسته است. بینات و براهین، مفاهیمی هستند که جنبه اطمینان بخشی و خاصیت قابل اتکای برجسته ای دارند. هر یک از این داشته ها خصوصیاتى دارند که به ترتیب شامل موارد زیر هستند: مفسره، محذره، جالیه، کافیه، مندوبه، موهوبه و مکتوبه. قرآن دارای سه دسته از خصوصیات با وزن های زیر است: مفعله فعله مفعوله حجج، عزائم و محارم قرآن مفاهیمی هستند که

محارم (حرامها) که محذره (قابل بازداشتن) باشند بینات (حقایق روشن) که جالیه (عیان کننده) باشند براهین (واضحات در مراتب و عرصه ها) که کافیه (برطرف کننده نیاز) باشند فضائل (امتیاز و توان ها) که مندوبه (به اختیار واگذاشته شده) باشند رخص (معافیت ها) که موهوبه (عطا شده) باشند شرایع (تکالیف) که مکتوبه (ثبت شده) باشند قرآن خودش، فهمیدنش، خاصیتش، پاکیش، هدف گذارش، فایده محض بودنش، تفصیل داشتنش، حکایت از علمی قطعی با قابلیت عمل دارد. عزائم (اوامر و نواهی قطعی) که مفسره (قابل تشخیص) باشند

چهار استبان رومی ما را بفرست

به نظر می‌رسد که محورهای هشت‌گانه ذکر شده در این فراز را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. محورهای ذیل حجت: حجت = عزائم = محارم = بینات
۲. محورهای ذیل برهان: برهان = فضائل = رخص (اجازه‌ها) = شرائع

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که در این قسمت، با مولفه‌های حول **حجت** و **برهان** آشنا می‌شویم، حجت به معنای گزاره‌های حقیقی و یقینی است که مبنای رجوع و عمل قرار می‌گیرند، و برهان همین گزاره‌هاست وقتی که برای فرد حالت شهود و عینیت پیدا می‌کند، بدین ترتیب **حجت** و **برهان** دو جلوه از یک حقیقت واحد هستند، یکی به اعتبار رجوع و مینا بودن و دیگری به اعتبار شهودی شدن و عینیت یافتن (که این نکته البته در کتاب برهان مورد اشاره قرار گرفته بود).

مطابق این فراز **حجت** روشن‌کننده (منور) است و **برهان** کفایت‌کننده است. که این را می‌توان جلوه دیگری از همان حقیقت دانست، با این تفاوت که گویی **حجت** روشنگری می‌کند، ولی کفایت برای فرد بواسطه رسیدن به برهان محقق می‌شود.

در ادامه برای هر یک از این دو محور، سه مولفه اصلی ذکر شده است، که به

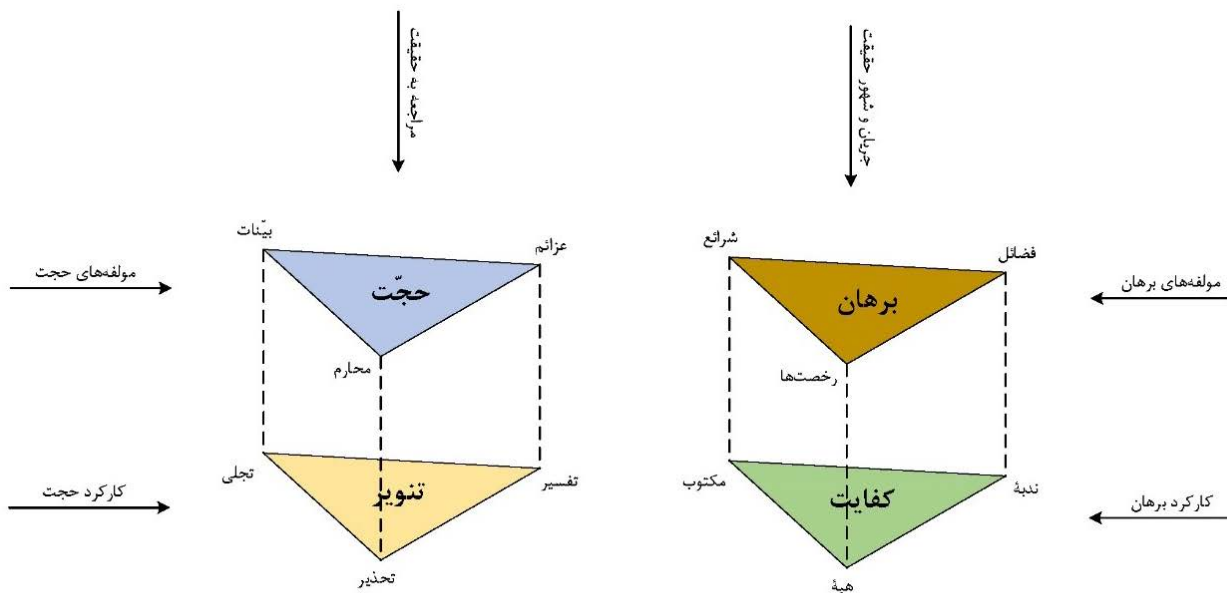
نظر می‌رسد بیان‌کننده ساختار آن باشد.

ساختار حجت

- عزائم که تفسیردهنده است و پرده از روی حقیقت بر می‌دارد.
 - محارم که حذردهنده است و موجب منع می‌شود.
 - بینات که جلوه‌دهنده است و روشن می‌کند.
- بدین ترتیب ساختار حجت مبتنی بر عزائم و محارم و بینات است که با تفسیر و تحذیر و تجلی دادن حقیقت را برای فرد واضح کرده و آن را قابل رجوع می‌کند.

ساختار برهان

- فضائل که ندبه و توجه به اصل و حقیقت را فراهم می‌کند.
 - رخصت‌ها و اجازه‌ها که هبه است که با توجه به قرآن، موجب بهره‌مندی حکم و امتداد است. (وهب)
 - شرائع که ثبت شده است و موجب ثبات و قدم صدق می‌شود.
- بدین ترتیب ساختار برهان مبتنی بر فضائل (نیکوها و توانمندی‌ها) و رخصت‌ها (بهره‌مندی‌های خاص) و شرائع (برنامه‌های واضح و تفصیلی) است که زمینه توجه به اصل حقیقت (توحید)، بهره‌مندی از حکم و همچنین اتصال به ثابتات را فراهم می‌نماید.



هر یک از این ویژگی‌های آیات با ساختار انسان و نیازهای او نیز هماهنگی دارد: محارم به واسطه تحذیری که می‌دهند موجب تاثیر بر خوف و انگیزش‌های انسان می‌شوند.

فصائل نیز موجب ذکر و توجه و ندبه‌اند. رخص نیز در بعد دارایی‌ها جای می‌گیرند.

بینات به سبب جلوه‌گری خود ساختار توجه انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

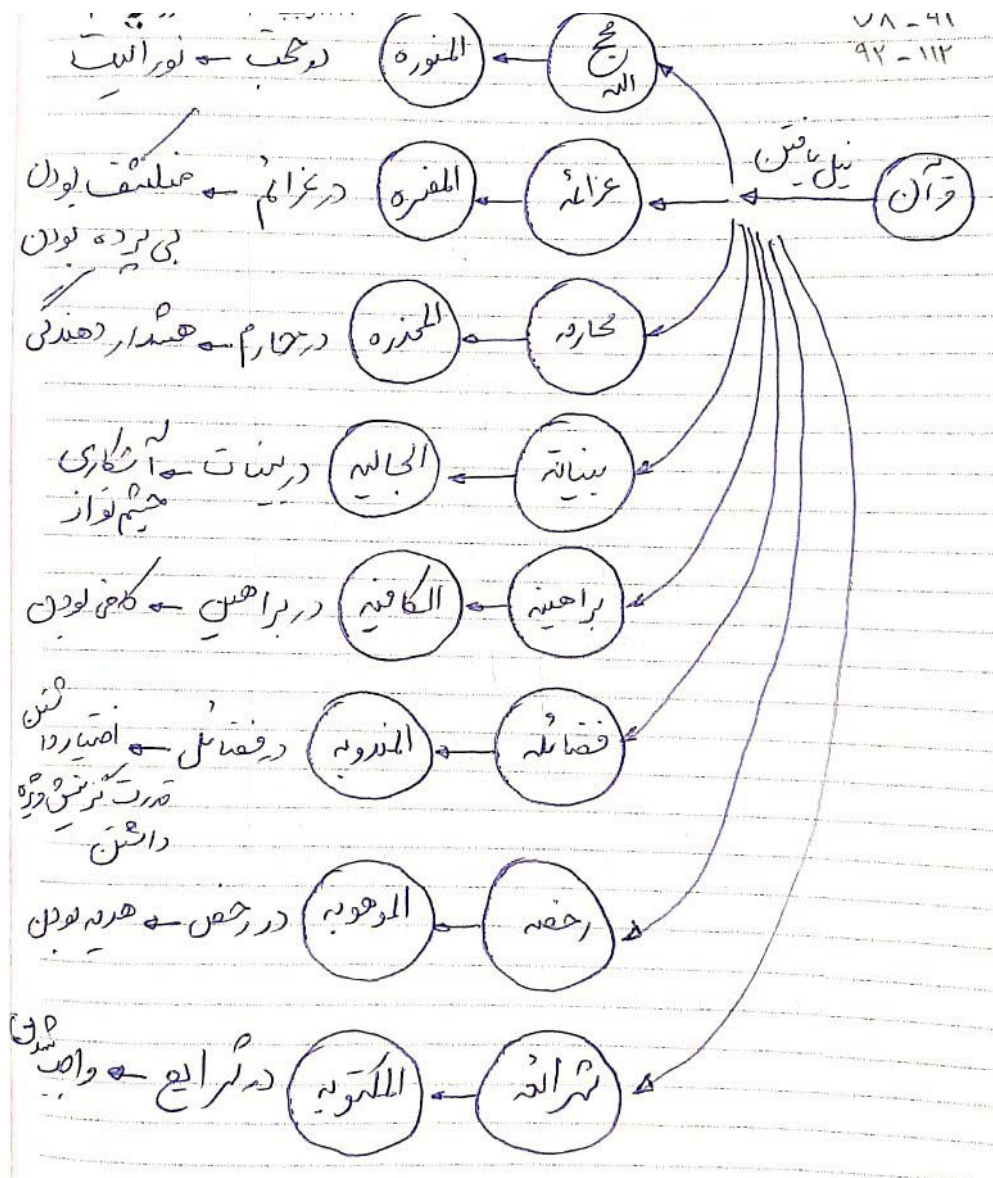
حجت امکان رویت حقیقت به واسطه نوری را که دارد ایجاد می‌کند.

شرایع مکتوبه نیز ساختار دیدن و شنیدن و همان ورودی‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند که منجر به راه اندازی تفکر می‌شود.

براهین که موجب کفایت و تمایز حق از باطل‌اند ساختار عقل انسان را تقویت می‌کنند.

عزائم به واسطه شرح و تبیین و تفصیل موجب فعال سازی تفکرند.

۱. آیات بینات از مهمترین مولفه هایی است که در سه کتاب تکوین؛ تشریح و انسان باید در راستای یکدیگر دیده شوند.
 ۲. این آیات بینات در کتابهای تکوین و تشریح به واسطه گری رسول گرامی در مواجهه انسان قرار میگیرند.
 ۳. به واسطه پذیرش کتاب تشریح و فهم آن توسط انسان؛ آیت برهان در کتاب انسان شکل میگیرد.
 ۴. بدین صورت همراستایی سه کتاب انسان؛ تکوین و تشریح را درک کرده و در همان راستا حرکت میکند.
 ۵. اتفاقی که در این حرکت و همراستایی برای انسان میرسد، فهم و ظهور منافع و حکمت های آیات است که در قالب حجت ها؛ عزائم؛ محارم؛ بینات؛ براهین؛ فضائل؛ رخصت ها و شرائع به تفصیل و تمایز ایجاد میشود.
 ۶. در واقع این امور نشان دهنده بهره مندی از نوری هستند که در عین وحدت؛ جلوه های متنوعی دارند که هر یک از این جلوه ها نشان دهنده نیازی در انسان هستند.
- مواجهه بیشتر با قرآن موجبات علم قطعی و روشن شدن این نیازها را در انسان ایجاد میکند.
- حجج الله المنوره: معیارهایی که برای انسان باید واضح شوند.
 - عزائم المفسره: باید و نبایدها
 - محارمه المخذره: نبایدها/خط قرمزهایی که باید اجتناب شوند
 - بیناته الجالیه: حقایق روشنی که باید دیده شوند و فصل الخطاب انسان در زندگی شوند.
 - براهینه الکافیه: واضحاتی که چراغ راه انسان میشوند
 - فضائل المندوبه: حقایقی که توانهای انسان را در عبودیت شکوفا میکند
 - شرایع المکتوبه: آن وظایفی که شریعت بر انسانها بار میکند و باید متناسب با ظرف وجودی اجرا شوند
- نکته**
- به نظر میرسد تنوع این معارف چندگانه با ایجاد نیاز بالاتر در انسان و مواجهه بیشتر او با آیات به رویت و ظهور او می رسند.
- لذا دیدن این چرخه باهم در جهت علم و عمل به قرآن بسیار موضوعیت دارد



در حریک از موارد مهمت پلان سده برای رت یافتن لیه آن مورد موضوعیت دارد

۱) در حجت - در مندی در جهت تبیین حق لازم - در این بودن اثر گسترش توانمندی

۲) در عزائم - توانمندی در انجام آنچه از روی خدا لازم - پس برده بودن انجام آن بددت جدی است اثر - تکلیف بودن اقراین عزائم

۳) در محارم - توانمندی در نورسیدن از آنچه لازم - همدار دهنده بودن از اصل و اساس فیه سده اثر - آن امر محرم اقراین حیداری

۴) در بیانات - توانمندی در بهره فندی از آنچه لازم - استکباری جسم نواز از اجزاء واقع و استکار سده اثر - آن امر اقراین جلوات

۶) فضائل - در آنچه فائز از میزان مورد استی بر لازم - قدرت تزیین قواعد حق) و بهره فندی از آن اثر - دانش به صورت اقراین اعتبارات

۷) رخص - توانمندی در استفاده از امری که لازم - چه سندان از جانب از ابتدا محور آن بوده بامی ترالت اصولا بنا شد اثر - دهنده (کس بیون استحقاق کرده) اقراین جنبشی ها

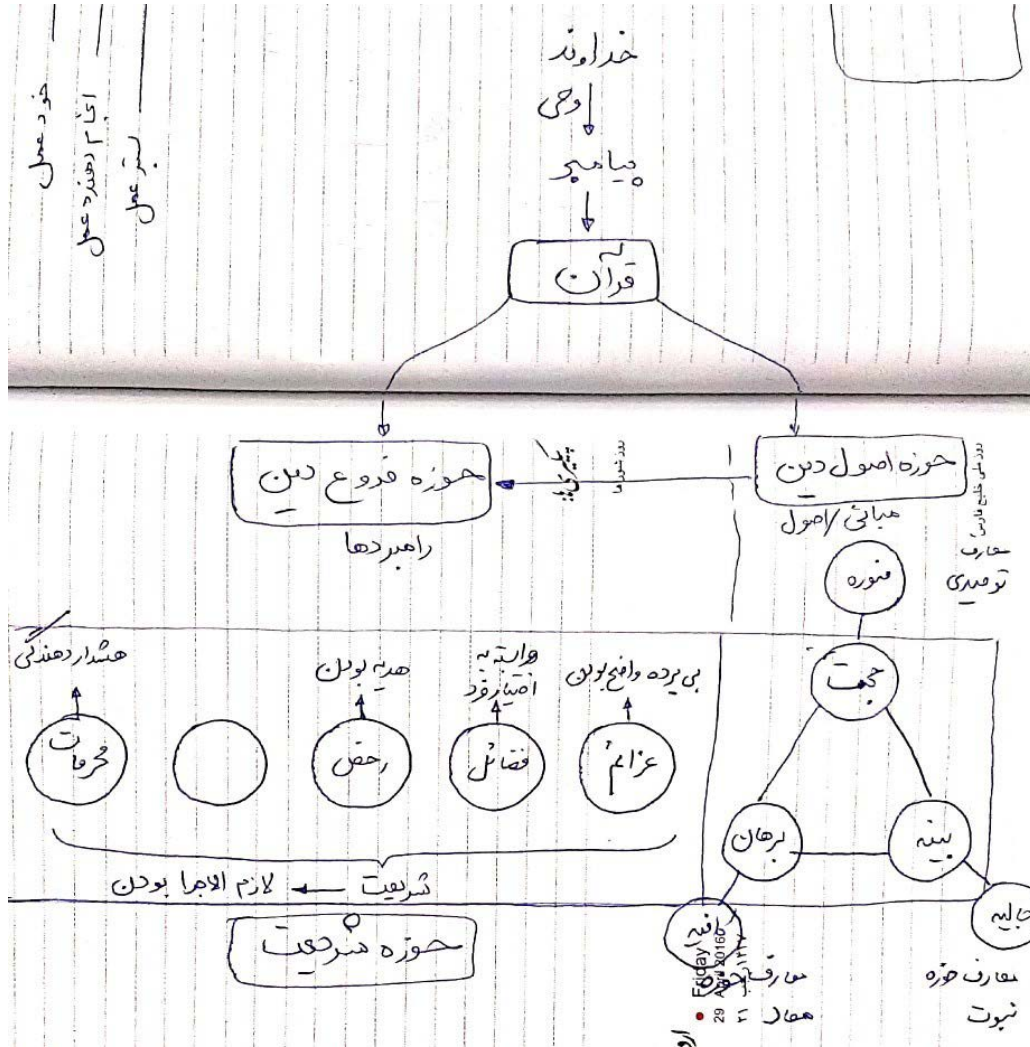
۸) تراجیح - توانمندی در استفاده از بره های لازم - التزام و یا سبزی واقع ایجاد سده برای عملی کردن اهداف و مقاصد اثر - آن عملی کردن مقاصد اقراین قدرت

۵) بر احسن - توانمندی در استفاده از آنچه لازم - رافع فقر بودن در ای وضع صد در صدی است پیکیری با: (قدرت فراگیری دارد) کاهش فقر کاهش امتیاج

۸ مورد بیان شده بهره هایی است که از قرآن می توان برد (صرفاً به واسطه قرآن نیل به ان ممکن می شود) و وصفی که برای هر مورد بیان شده به قیدی اشاره دارد که بهره مندی از آن ویژگی را عملیاتی (ممکن) می سازد.

در صورتی که از صفت برای بهره برداری از آن ویژگی استفاده شود همان ویژگی و در نتیجه وصف مرتبط با آن گسترش می یابد. مثلاً محارم برای این که محارم باشند باید وجه هشدار دهندگی (تحدیر) در آن پر رنگ باشد که بدهاها این ویژگی را دارند و

اگر به واسطه این هشدارها از محرمات فاصله بگیریم فهم هشدار دهندگی آنها ارتقا یافته در نتیجه هشجاری جامعه افزایش می یابد. بنابراین برای ارتقای سطح هشجاری جامعه باید بر محرمات الهی (گفته شده در قرآن) و هشدار دهندگی آنها تمرکز کرد



لا اله الا الله محمد رسول الله

بخشی از نیاز های اساسی انسان در زندگی

حجت	عزم	حرم	بین	بره	فضل	رخص	شرح
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----

رافع نیاز به واسطه

منوره	مفسره	محرره	جالیه	کافیه	متدویه	موهویه	مکتویه
-------	-------	-------	-------	-------	--------	--------	--------

معیار های روشن کننده ← معیار هایی هستند که علاوه بر روشن بودن خودشون روشن کننده مسائل دیگر هم هستند

اوامر ← امر ها و باید و نباید هایی که شرح دهنده و تفسیر کننده امور هستند

حرمت هایی که ← احتیاط ایجاد میکنند

حقایق روشن ← عیان کننده

شهود ← ان حقایق واضح و بدون نیاز به استدلالی که کفایت کننده امور هستند

استعداد هایی که ← شکرفا کننده

رخصت هایی ← عطا شده

برنامه و چارچوب ← دارای ثبوت

نیاز هایی از انسان در زندگی که با جلوه های مختلف قران برای انسان رافع نیاز میشوند

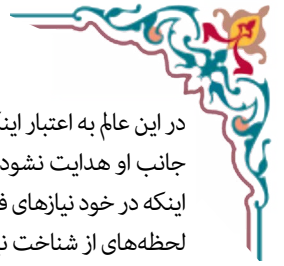
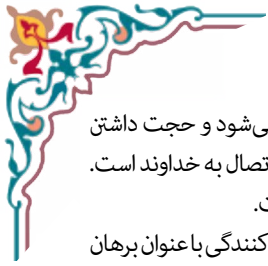
در نگاه کلی به این نمودار که بر اساس فرازی از خطبه فدکیه می باشد چند نکته جلب توجه می کند:

۱. کلام الهی که در قالب آیه نازل شده است.
 ۲. وجود رسول به عنوان دریافت کننده وحی
 ۳. آیاتی که بینات هستند و دریافت حجت و برهان را در هشت شکل مختلف برای روشنگری قران در زندگی انسان به نمایش می گذارند.
 ۴. بنابراین شناختی از آیه، کلام، نقش رسول به عنوان دریافت کننده وحی، کتاب قران و جایگاه انسان و نیاز او به برهان و حجت لازم است.
- کلام: عبارت است از آشکار کردن پیام و محتوایی از جانب متکلم عالم و توانا متناسب با نیازها و ظرفیت های مخاطب است که بر اساس آن جریان علم و هدایت امکان پذیر می گردد.

آیه: وجهی از شیء که توجه به آن موجب فعالسازی وجهی از ساختار وجودی انسان شده او را از آن ناحیه متوجه حق می نماید. شیء دلالت دهنده به حق یا حکم که با رجوع به آن به نطق در آمده و آثار حق را از خود به گونه ای اظهار می کند که رجوع کننده را به صورت واضح و تفصیلی به حقیقت می رساند و عدم توجه به اشیا یا اشخاص دلالت کننده به حق موجب قرار گرفتن در بی راهه های می شود.

کتاب: حقایق و پدیده های امکانی در هستی، در گستره وجود به ثبت رسیده و نمایان گردیده اند. حقیقت کتاب در نظام هستی، گستره ظهور و بروز حقایق در نظام عالم است.

انسان: به عنوان یکی از مخلوقات نیازمند خالق است و ذات و گوهرش را از غیر خود گرفته و در هر لحظه نیز به هستی بخش نیازمند است و هر مخلوقی



رفع نیاز در انسان به واسطه حجت و حکمت ممکن می‌شود و حجت داشتن وجهی از سوی پروردگار در هر کاری است و در واقع وجه اتصال به خداوند است. و حکمت وجه جاری کردن باید و نبایدها در زندگی است.

برهان: از حجت و یقین به اعتبار تفصیل دهنده‌گی و واضح‌کننده‌گی با عنوان برهان یاد می‌شود که به معنای دلیل روشنی است که مسیر پیش روی فرد را واضح ساخته و او را بدون هیچ ابهامی در ارتباط با حقایق مربوطه قرار می‌دهد.^۱

با در نظر گرفتن این مفاهیم

- خداوند انسان را به عنوان موجودی نیازمند خلق کرده است.
- در او قابلیت فهم حقایق را ایجاد کرده است.
- حقایق را در قالب آیات بر نبی نازل کرده است.
- نبی تلاوت کننده آیات است به گونه‌ای که آیات بینات می‌شوند.
- انسان به عنوان مخلوقی که برای رفع نیاز خود به حجت که در واقع مقصدنمای حقیقت است و وجه اتصال انسان به خداست نیاز دارد.
- انسان برای درک حجت نیاز دارد که حقایق برای او به صورت تفصیلی و واضح و متمایزکننده بیان شود.
- رسول به عنوان دریافت کننده حقایق و تلاوت کننده حقایق ثبت شده در کتاب، طبق واژه تئاله که از نیل به معنای اصابت چیزی به چیزی است و اصابت جریان امر بر وفق طبیعت و حق است، انسان را با تلاوت‌های مختلفی از حقیقت مواجه می‌کند.

این مواجهه انسان با حقایق به صورت زیر آمده است:

بِه تَنَالِ حَجِّجِ اللّٰهِ الْمُنَوَّرَةِ وَعَزَائِمِ الْمَفْسَرَةِ وَمَحَارِمِ الْمُحَدَّرَةِ وَبَيِّنَاتِهِ الْجَالِيَّةِ وَبِرَاهِنِهِ الْكَافِيَّةِ وَفَضَائِلِهِ الْمُنْدُوبَةِ وَرِخْصَةِ الْمُوهُوبَةِ وَشَرَائِعِهِ الْمَكْتُوبَةِ

۱. کتب تدبیر در هستی و کتاب فرایندشناسی حجت

در این عالم به اعتبار اینکه باید خود را بروز دهد، نیازمند هدایت است و اگر از جانب او هدایت نشود بی‌اثر خواهد شد. و هر مخلوقی در این عالم به اعتبار اینکه در خود نیازهای فراوانی می‌بیند، به رافع یا رافع‌های نیاز رو می‌آورد و اگر لحظه‌های از شناخت نیاز خود و یا شناخت رافع نیازش و یا حرکت به سوی آن ناتوان باشد محکوم به هلاکت است.

اسم: هر اسم خداوند سبحان، حقیقت و اساس هر اسمی در نظام عالم است و غایت انسان و تمامی مخلوقات در نظام هستی، متجلی ساختن حقیقت موجود در بطن اسمشان است.

بنابراین هستی که دارای دو وجه متغیر و ثابت است، در دو بُعد ظاهر و باطن یا شهادت و غیب ظهور می‌یابد. دنیا محل ظهور هر دو وجه و آخرت محل تجلی وجه ثابت هستی است. بنابراین محل تجلی اسم در دنیا و آخرت است و به طور طبیعی دو نوع فهم از تجلی اسم به وجود می‌آورد.

یکی از تفاوت‌های انسان و سایر موجودات درک این دو نوع تجلی است که انسان با مدیریت ادراک و عمل خود می‌تواند مسیر فهم نظام اسماء در دنیا و آخرت را متوجه شود. رسیدن به این فهم از غایت‌های در نظر گرفته برای انسان و به تناسب برای هر مخلوقی است. بالطبع عاقبت و غایت این مدیریت و عملکرد در هر دو نشئه دنیوی و اخروی برای انسان ظهور می‌یابد و از ثمرات آن رسیدن به مقام حمد در دنیا و آخرت است که به واسطه آن فهم و درک زیبایی‌های ناشی از تجلی اسماء را برای خود به ارمغان می‌آورد.

حجت: قصد همراه با جهد و عزم را حج گویند و حجت از این کلمه می‌باشد و در واقع مقصدنمای حقیقت است. سه مولفه حجت حکم، عقل و دلیل است. حکم وجه حقی است که علت وقوع هر کار است. عقل ابزار بینایی مشاهده وجه حق و حکم است. و دلیل ابزار و وسیله‌ای که باعث توجه به حکم و حق شده است.



۱- ویژگی‌های قرآن از منظر اتصال به مبدأ: کتاب الله الناطق، قرآن الصادق، نور الساطع، ضیاء اللامع
 ۵ خدای متعال اراده کرده است که حقایقی از سنخ نور را برای مردم آشکار سازد.
 ۵ قرآن به دلیل صادق بودن، منطبق بر حق است و بنابراین همانی است که خدای متعال اراده کرده تا بیان دارد.
 ۵ نور است که از مبدأ که ساطع می‌شود پرتوهای درخشانی می‌یابد. بنابراین همین که قرآن است نشان می‌دهد که به تفصیل درآمده است.
 ۲- ویژگی‌های متأثر از این اتصال به مبدأ: بینة بصائر، منکشفة سرائر، منجلیة ظواهره

۵ از آنجا که قرآن کلام الهی است و به مبدئی نورانی اتصال دارد بنابراین هیچ چیز غیر قابل فهم ندارد چه در ظاهر چه در باطن
 ۵ از آنچه که از سنخ نور است بنابراین روشن است و روشنگری هم دارد. هم ظاهر است و هم منجلیه. هم بصیرت دارد و هم بصیرتش بینه دارد.
 ۳- آثار پیرویی و صفات پیروان چنین قرآنی: مغتطفة به اشیاعه، قاندا الی الرضوان اتباعه، مؤدالی النجاة استماعه
 ۵ شیعه در مرتبه بالاتر، و پایین تر از آن تابع، و پایین تر از آن مستمع است که لافل نجات شامل حال او می‌شود.

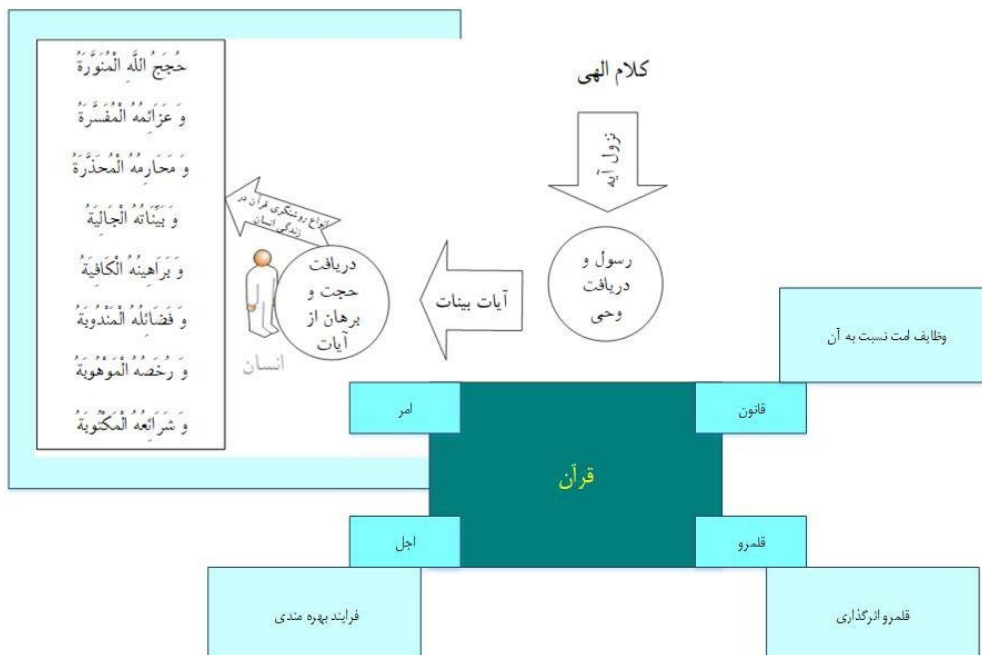
۵ حداقل رویکرد مخاطب قرآن باید این باشد که سمع خود را در اختیار قرآن قرار دهد. بنابراین رسول، قاری قرآن و واسطه رساندن کلام الهی به سمع انسان است.
 ۴- مراتب حقایق الهی که به شیعه و تابع و مستمع حقیقی قرآن می‌رسد (محتوای قرآن): حجج منوره، عزائم مفسره، محارم محذره، بینات جالیه، براهین کافیه، فضائل مندوبه، رخص موهوبه، شرایع مکتوبه
 ۵ حقایق نورانی قرآن که از آن مبدأ ساطع شده و به واسطه رسول برای انسان تبیین شده در این ۸ دسته گنجانده شده‌اند.

۱. برای حضرت، روشن بوده که حجت های خدا درخشان هستند و قصدها و اراده های خداوند به کارهای واجبش، شرح و توضیح داده شده است.
 ۲. از هر بند می‌تواند حجتی برای زندگی استخراج کرد که با حجت قرار دادن آن به برهان در زندگی رسید (زیرا دریافت حضرت از وحی و ابراز ایشان از وحی، این جملات هستند).
 ۳. هم‌ارزی و هم‌محور بودن موضوعات بیان شده به دلیل عطف (مثال: درخشان بودن حجت‌های خداوند و کافی بودن برهان‌های او و مشروح بودن

قصدهای او؛ همه با هم هم‌ارزند و یک حقیقت را دنبال می‌کنند، حقیقتی که دعا در شرح آن سخن می‌گوید و آن را مسئلت دارد).
 ۴. با گزاره نویسی از عبارات می‌توان این هم‌محوری را متوجه شد.
 ۵. حجت‌های خدا، مقاصد او، چیزهایی که حرام کرده، بینات خداوند، برهان‌های او، فضائلش و رخصت‌هایش و شرایعش موضوعات مهمی در این خواست دعا هستند که وجه اهمیت آنها نیز آمده (حجت‌ها از وجه درخشان بودنشان و شرایع از وجه

مکتوب بودن).
 ۶. از اینجا که برهان در این هم‌ارزی، یکی از موضوعات است می‌توان موضوعاتی هم‌ارز با برهان را در این عبارات یافت.
 ۷. دریافت آیات بینات می‌تواند درک انسان را به این موضوعات، از وجه گفته شده‌شان برساند.
 ۸. یعنی یک ساختار فهم روشن (برهانی) از آیات خدا دیده می‌شود.

کلام الهی بر رسول خدا به صورت آیات نازل می‌شود و رسول وحی را دریافت می‌کند و آیات بینات را به انسان‌ها می‌رساند، انسان‌ها از آیات بینات دریافت حجت و برهان برای زندگی خود می‌کنند که قرآن دارای انواع حجت و برهان‌های ذکر شده است.



یک نوع از درک کلی، پیرامون این فراز تقدیم می‌شود.^۱

در این بخش، وجه امر و تبیین آن که از ابعاد نظام‌سازی مبتنی بر قرآن از منظر «تسبیح» است بیان شده است.

مابقی وجوه از ادامه خطبه قابل احصاست ان‌شاءالله

۱. جلسات صحیفه فاطمیه، تعقیب نماز عشا، ۱۴/۱/۹۹

پاسخ ۱۲: فاطمه سادات شریعتمداری

استخراج نکات کلی از فراز مدنظر از خطبه فدکیه
۱. جایگاه نزول در نظام هستی برای رساندن حقایق مراتب بالاتر به مراتب پایین تر
۲. جایگاه رسول در هستی به عنوان تنها گیرنده نزولات وحی انبائی
۳. جایگاه رسول در رسانندگی وحی دریافت شده به عموم انسان‌ها
۴. جایگاه آیات به عنوان واحد مهم و کلیدی در نزول حقایق (تعیین دهنده به حقایق مجرد جهت نزول یافتگی)
۵. ویژگی مهم بین بودن آیات برای سهولت دریافت و البته اتمام حجت بر مخاطب
۶. امکان دریافت حجت و برهان از آیات بینات جهت انجام نقش هدایتی آیات در زندگی انسان

۷. انواع حالات حجت آفرینی و برهان بودگی آیات بینات در زندگی انسان (هشت حالت)
۸. پس در نتیجه تصریف یافتگی آیات بینات در بسترهای مختلف هستی بنا به نیاز مخاطب
۹. در طول هم بودن حالات مختلف تصریف آیات بینات
۱۰. اتصال آیات بینات به خداوند (وصف الله در مورد اول و ضمیر متصل غایب که به الله برمیگردد در بقیه هفت حالت بعدی)
۱۱. دیدن سیر احکام به تفصیل و تفصیل به احکام در این نمودار با موضوع اصلی نزول آیات بینات در بستر زندگی انسان
۱۲. ضرورت و نقش مهم کتاب/ قرآن به عنوان پس زمینه نمودار به جهت دربردارندگی تمامی آیات

هستی در خود.
۱۳. مشاهده سه اصل مهم توحید، نبوت و معاد از منظر آیات بینات
۱۴. مشاهده نظام هدایتی خداوند و سیر آن از نزول تا صعود و ارتقای یافتن بندگان به همراه وسائط که خود شأن والایی دارند.
۱۵. لزوم شناخت قرآن و آیات آن با هشت وصف فوق
۱۶. امکان دسته بندی و ساختار بندی آیات یا سوره های قرآن با هشت وصف فوق
۱۷. ترکیب های وصفی مهمی که به هشت حالت فوق اضافه شده اند و به نوعی نشان از حجت بودن آنها و البته یسر شدن برای ذکرپذیری انسان دارند.

پاسخ ۱۳: مریم سادات احمدنژاد

گرچه کتاب برهان کتاب گسترش و تعمیم گزاره ها و پروژشان است، اما درک من از این جملات مبسوط نوشتاری نیست و همین که می بینم را دارم می بینم. درکم وقتی این ها را خواندم این بود که چقدر از این آدمی که این ها را گفته خوشم

می آید و در همین مرحله توقف کردم. احتمالاً در تمرین های بعدی، به شرط امکان، بایست بگردم و مبسوط و نوشتاری با این عبارات برخورد کنم.

پاسخ ۱۴: حمیده اسدی

انسان در مواجهه با قرآن متناسب با موقعیتها و نیازهای مختلف زندگی با انواع روشنگری ها مواجه

می شود که حجت و برهانی هستند برای فهم، درک و عمل مبتنی بر کلام الهی که به شکل آیات بر وجود

مقدس پیامبر ﷺ بصورت وحی نازل شده است.

پاسخ ۱۵: زهرا خراسانی

۱. نزول آیات در عالم اتفاق افتاده است.
۲. رسول مبعوث شده و وحی را دریافت کرده اند.
۳. محتوای وحی در بردارنده آیاتی است که روشن و واضح است.
۴. اما تا انسان خود را در مواجهه با آن خود را قرار ندهد نمی تواند از آن بهره مند شود. بنابراین باید ابتدا بند ۱ و ۲ را باید پذیرد و به آن ایمان بیاورد.
۵. بعد از پذیرش باید نگاه تفضیلی به حجت و برهان بودن آیات پیدا کند، با قرائت آیات ابتدا نیازهای اساسی خود را بشناسد و با عمل به آیات به آن نیازها را

برطرف سازد و یقین داشته باشد که اگر در مواجهه صحیح با آیات قرار بگیرد به حجت های نورانی خدا دست پیدا خواهد کرد و دیگر هیچ استدلالی نمی تواند ایمانش را خدشه دار کند همه چیز مثل روز برایش روشن است، هیچ چیز اراده او را سست نمی کند زیرا به مقصدی را با علم تفضیلی انتخاب کرده و به آن ایمان دارد، از آنچه منع شده برحذر خواهد بود.
۶. علم تفضیلی داشتن به نحوه روشنگری آیات در زندگی انسان باعث می شود او را از خطا مصون کرده و هر جا دچار خطا و آسیب شد فوراً آن را اصلاح کند.

پاسخ ۱۶: آرزو احمدیان

★ مرحله اول:

قرآن...
۱. نور دهنده به حجج الله است.
۲. تفسیر کننده عزائم الله است.
۳. برحذر دهنده محرمات الله است.
۴. جلوه دهنده بینات الله است
۵. کافی و کفایت کننده براهین الله است.
۶. پسندنده کننده فضائل الله است.
۷. بخشنده رخصت الله است.

۸. کاتب و ثبت و ضبط کننده شرائع الله است.

★ مرحله دوم:

۱. حجج الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن تنویر شود.
۲. عزائم الهی بایست به وساطت کتاب الله و قرآن تفسیر شود.
۳. محارم الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن تحذیر شود.
۴. بینات الله می بایست به وساطت کتاب الله و

قرآن جلوه اش آشکار شود.
۵. براهین الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن کفایت شوند.
۶. فضائل الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن مورد پسند و اختیار قرار گیرند.
۷. رخص الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن هبه شوند.
۸. شرائع الله می بایست به وساطت کتاب الله و قرآن مورد کتابت قرار گیرند.

★ مرحله سوم:

کتاب الله آن است که واسطه وصال سمع کننده اش به حجج الله، عزایم الله، محارم الله، بینات الله،

براهین الله، فضائل الله، رخص الله و شرائع الله است. به واسطه تنویر، تفسیر، تحذیر، جلا، کفایت، تندیب،

وهابیت و کتابت. حضرت صدیقه طاهره دلالت دهنده به کتاب الله و قرآن کسی که به واسطه او قرآن شناخته می شود.

✿ پاسخ ۱۷: امیر حسین هادوی

۱. خدا رو شکر بعد از سالها عده ای نشستند اند و روی این سخنان حضرت زهرا تامل میکنند؛ چون از اتفاقاتی که در زمان انشاء این سخنان افتاد، بر می آید خیلها در آن زمان، چیزی از این سخنان نفهمینند
۲. دیدن این فراز در کنار حدیث منقول از امیر المومنین علیه السلام مبنی بر اینکه خداوند قرآن را بر هفت قسم (که هر کدام شافی و کافی است) نازل کرد: امر، زجر، ترغیب، ترهیب، جدل، مثل و قصص. به نظر میرسد بهره گیری از قرآن بر این هفت قسم، ما را به آن هشت مقام و مقصدی که حضرت زهرا فرمودند، میرساند.
۳. این هشت مقام (با توجه به ضمائر «هاء») که منسوب به خداوند تبارک و تعالی است در قرآن مندرج است.
۴. با توجه به معنای «تتال» که رسیدن از جنس مطلق اصابت است، اگر این هشت مقام و مقصد را در امتداد هم بدانیم، چنین مسیری روشن میشود:

الف) رسیدن به حجتها: که به گونه ای منور است که قصد همراه با حرکت را به ارمغان می آورد؛
ب) رسیدن به عزائم: که به گونه ای پرده از اراده های خداوند درباره انسان برمیدارد که قصد جازم و شدید و ممتد منتهی به عمل را پدید می آورد.
ج) محارم: انسانی که اکنون به طی این مسیر آمده است، حریمهای محذره ای را میبیند که هر لحظه و در هر گام، حدود جاده را به اون نشان میدهند و او را به مستقیم طی کردن مسیر کمک میدهند.
د) بینات: با وجود رعایت حریمها و ماندن در وسط جاده، هر از گاهی، به دوراهیها و چند راهیهای برمیخورد، که ای بسا هر کدام هم دارنده سنگ چینهایی به نظر برسند؛ اینجابیناتی که جالیه هستند به دانش میرسند و راه درست را برای او از راه نادرست آشکار میکنند.
ه) براهین: در چنین حالی، مسیر برای او مبرهن میشود و آشکاری مسیر کفایت سرعت گرفتن او را میکند

و فضایل: چنین کسی آماده و مشتاق میشود که به مقام فضایل زیبا برسد و مسیر را زیبا طی کند و زیباییها را کسب کند.
ز) رخص: کسی که به چنین حالی رسیده است، آنقدر اراده اش را با اراده خداوند وفق داده است که به او بسط یدهایی هبه میشود؛ این بسط یدها میتواند ناظر به مسئولیتهای اجتماعی او باشد که قدرت پیدا میکند برای دیگران هم معبر باز کند برای ورود به این مسیر.
ح) شرایع: آن که از رخصتهای موهوبه حق استفاده را میرد، نهایتا درمی یابد که تنهاراه همان راه همان راه مخصوصی (شریعت) است که خداوند برای بندگانش باز کرده است و آن را تمام تفصیلاتش (شرایع المکتوبه) در کتابی ثبت کرده است؛ به این گونه، بندگی محض خداوند را اختیار میکند و به درجه ای از علم و ایمان و تقوا میرسد که میتواند اراده خداوند را حتی در جزئی ترین شئون زندگی اش، از قرآن دریابد.

✿ پاسخ ۱۸: بی بی زهرا امامی میبدی

کلی ترین برداشتی که از بررسی تک تک واژه ها در حد و وسع داشتیم به مجمل ترین بیان چنین است:
تقریر نیت و قصد پروردگار و تثبیت آن در خارج (برای انسان) به وسیله ی مشخص کردن طریق واضح و ذکر حدود (شرایع مکتوبه) آن مسیر با حجتها

و بینات و براهین و مشخص کردن محارم و واجبات طی آن طریق به انواع روش های روشنگر، تبیین کننده و زداینده ی ابهام و برانگیزاننده ی اراده و رغبت همراه با ایجاد گستردگی (امکان اختیار و انتخاب) در عمل به وسیله ی قرآن

✿ پاسخ ۱۹: معصومه حسینی

این نمونه با الهام از کتاب برهان و نوشته های دوستان طراحی شده است:

حقایق قرآن معیارهای مهم زندگی را در اختیار انسان قرار می دهند و انسانها لازم است با توجه به آن

معیارها، باورها و پروژات خود را سازماندهی کنند.

کلام الهی



انسان با دریافت بینات، کلام الهی را بر خود اتمام حجت می‌یابد. دریافت حجت از جانب انسان به معنای طی کردن مسیری در زندگی است که باور و عمل فرد منطبق بر حق تنظیم شده و صادر می‌شود. به استقرار و اطمینانی که بواسطه تکیه بر حقایق در

فرد حاصل می‌شود یقین گفته می‌شود. از حجت و یقین به اعتبار تفصیل دهندگی و واضح کنندگی با عنوان برهان یاد می‌شود که به معنای دلیل روشنی است که مسیر پیش روی فرد را واضح ساخته و او را بدون هیچ ابهامی در ارتباط با حقایق مربوط قرار می‌دهد و دستاویزی است که انسان

را به مشاهده‌ی حقایق می‌رساند و ویژه‌ی کسانی است که قصد عمل کردن به کلام الهی را داشته باشند. کارکرد آیه‌های قرآن که روشن کردن گزاره‌های قطعی یقینی در زندگی انسان است را با توجه به خطبه فدکیه می‌توان به صورت زیر نشان داد:



انواع روشنگری‌های قرآن در زندگی انسان حُجَّجَ لِلَّهِ الْمُنُورَةُ

حجت‌های نورانی خداوند بوسیله قرآن دست یافتنی است، قدرتمند در جهت تبیین حق، به گونه‌ای منور است که قصد همراه با حرکت را به ارمغان می‌آورد.

وَعَزَاهُ الْمَفْسَرَةُ

منکشف، بی‌پرده، تفسیر دهنده است، اوامر و نواهی قطعی بوسیله قرآن قابل تشخیص باشند، بوسیله قرآن به گونه‌ای پرده از اراده‌های خداوند درباره انسان برمی‌دارد که قصد منتهی به عمل را پدید می‌آورد.

چهار سوره از سوره‌های قرآن به سوره‌های عزائم مشهور هستند، سوره‌های عزائم سوره‌های سجده‌دار قرآن را گویند که موضوعاتشان در مورد اصول دین است از جمله درباره: مبدأ، معاد، اقامه برهان، قرآن، وحدانیت و نبوت می‌باشد و به عبارتی این سوره‌ها مفسر دین هستند.

وَمَعَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ

قرآن دربردارنده آیاتی است که حذر دهنده-اند، حرامها هستند که باید نسبت به انجام آن بازداشته شوند. آیات محارم به منزله سنگ چینه‌های محذره‌ای است که هر لحظه و در هر گام، حدود جاده را به اون نشان میدهند و او را به مستقیم طی کردن مسیر کمک میدهند.

وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ

آیات قرآن جلوه‌دهنده‌اند، روشن می‌کند، ادله ظاهر هستند. حقایق که دیده می‌شوند و فصل الخطاب انسان در زندگی می‌شوند، با وجود رعایت

در ماندن در مسیر مستقیم و ماندن در وسط جاده، هر از گاهی، به دوراهیها و چند راهیهای برمیخورد، که ای بسا هر کدام هم دارنده سنگ چینه‌هایی به نظر برسند؛ اینجا بیناتی که جالبه هستند به دانش میرسند و راه درست را برای او از راه نادرست آشکار میکنند.

وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ

واضحات در مراتب و عرصه‌ها، قرآن دارای برهان‌های کافی است که برطرف‌کننده نیاز انسان هستند و وضاحتی که چراغ راه انسان هستند و قدرت فراگیری دارد، در چنین حالتی مسیر برای او مبرهن میشود و آشکاری مسیر کفایت سرعت گرفتار او را میکنند.

وَفَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ

قرآن دارای حقایقی است که توانهای انسان را در عبودیت شکوفا می‌کنند، چنین کسی آماده و مشتاق میشود که به مقام فضایل زیبا برسد و مسیر را زیبا طی کند و زیباییها را کسب کند، مستحبات بیان شده در قرآن را عمل کند تا در نزد خداوند امتیاز و توان کسب کند.

۵ سوره از سوره‌های قرآن دارای سجده مندوبه است و آیات سجده، هر کدام جلوه‌ای از عبودیت خداوند را بازگو می‌کنند.

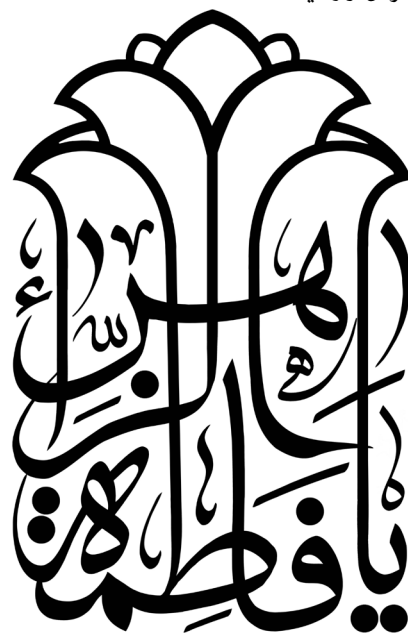
وَرَخَصَهُ الْمَوْهُوبَةُ

انسان با عمل به بعضی دستورات قرآن که همان مباحات هستند از جانب خداوند صاحب هبه می‌شوند، هبه بخششی بدون استحقاق انسان است. کسی که به چنین حالی رسیده است، آنقدر اراده اش را با اراده خداوند وفق داده است که به او بسط پدیهایی هبه میشود.

وَشَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ

شرایع و احکام نوشته شده در قرآن، وظایفی برای انسان باز می‌کند و باعث ایجاد توانمندی در انسان و رسیدن به مسیرهای واضح و به عبارتی، عملیاتی شدن اهداف و مقاصد

آن که از رخصتهای موهوبه حق، استفاده را میرد، نهایتاً درمی‌یابد که تنها راه، همان راه مخصوصی (شریعت) است که خداوند برای بندگانش باز کرده است و آن را تمام تفصیلاتش (شرایع المکتوبه) در کتابی ثبت کرده است؛ به این گونه، بندگی محض خداوند را اختیار میکند و به درجه‌ای از علم و



ایمان و تقوا میرسد که میتواند اراده خداوند را حتی در جزئی ترین شئون زندگی اش، از قرآن دریابد.

نتیجه

پس از منور شدن به حجت‌ها و قدرتمندی برای حرکت در مسیر نورانی، اوامر و نواهی برای انسان قابل تشخیص می شوند (حُجِّجَ اللَّهُ الْمُنُورَةَ)، به گونه‌ای که برای انسان، قصد منتهی به عمل پدید می‌آید عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ. مسلح شدن به عمل حلالها و حرامهای قرآن را برای انسان مشخص می‌کند مَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ و پس از آن بیناتی برای انسان

متجلی می‌شود که حقایق دیده می‌شوند و فصل الخطابهای انسان در زندگی می‌شوند بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ. سپس رسیدن به برهانهایی است که برطرف کننده نیاز برای انسان هستند، واضحاتی مبرهن که چراغ راه انسانها هستند و توانهای انسان را در عبودیت شکوفا می‌کنند بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ و در درجه بعد، انسان بواسطه عمل به مستحبات با فضایل، زیبا می‌شود، مسیر خود را زیبا طی می‌کند فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ. و در درجه بعد انسان بواسطه عمل به مباحات، شایسته دریافت هبه از سوی خداوند

می‌شود و هبه بخشی بدون استحقاق انسان است رُحَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ. نهایتا انسان در می‌یابد که تنها راه مخصوص از مسیر شریعت می‌گذرد و حالتی است که انسان بندگی خاص خداوند را اختیار می‌کند و به درجه‌ای از ایمان می‌رسد که جزئی‌ترین شئون زندگی خود را از قرآن درمی‌یابد.

حضرت زهراء عليها السلام همگام با ائمه معصومین، بعنوان قرآن ناطق و نمونه انسان کامل، با عمل به قرآن، روشنگریها را در خود جاری کرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ
وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ
وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ

وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ
وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ
وَأَيُّهَا بَيْتُهُمْ

سلام بر دوستان خدا را شکر که جریان فیض فاطمی علیها السلام بر ما جاری است و دوستان از این زلال چشمه صاد قرآن که کوثر است، بهره‌های فراوانی دارند. جایزه دوم بر اساس مطالبی که استخراج کردید طرحی برای روش‌های تدبیر در قرآن پیشنهاد دهید. در واقع روش‌های تدبیر در قرآن را متناسب با دستگاه مختصات ارائه شده در خطبه تنظیم کنید.

پاسخ ۱: معصومه حسینی

- معیار دسته بندی اینجانب بر اساس دسته بندی است که در تهلیل سوره فراگرفتیم:
- حجج الله المنوره یا معیارهای روشن
 - عزائم المفسره یا تفسیر دهنده واجبات (اوامر و نواهی)
 - محتوا: آموزش اوامر و نواهی قرآن
 - محرارمه المحذره یا محرمات منع شده
 - محتوا: آموزش محرمات بر اساس اسماء و افعال الهی
 - بینات الجالیه یا ادله ظاهر
- محتوا: آموزش شناخت جایگاه رسول در قرآن که در هستی حقیقتی روشن و جلوه دهنده است.
- براهین الکافیه یا واضحات در عرصه ها
 - محتوا: مهارت در کشف نیازهای انسان از طریق شناخت مردم و جریان شناسی
 - فضایله المندوبه یا فضایل و رخصت های قرآن
 - محتوا: آموزش استخراج مستحبات در قرآن
 - رخصه الموهوبه یا بهره مندی خاص
 - محتوا: آموزش استخراج مباحات در قرآن
 - شرایح المکتوبه: بهره مندی از حکم
 - محتوا: آموزش استخراج احکام در قرآن

پاسخ ۲: امیر حسین هادوی

- ★ دوره حجج**
دوره کسب نور (با توجه به واژه منوره)
کتابها:
- مقدمات تدبیر
 - روشهای تفکر
- نتیجه مطلوب: ایجاد قصد اولیه همراه با کسب نور برای عمل
- ★ دوره عزائم**
دوره دریافتن غرض خداوند از انزال سوره‌ها (با توجه به واژه مفسره)
کتابها:
- تدبر ادبی ۱ (با تاکید روی کلام و شناخت اجزای کلام و اسناد)
 - تدبر سوره ای
 - تدبر مکی ۱ (تاکید روی روش کار تدبر مکی و استخراج نمودار از حقایق سوره، البته روی تک‌سوره‌ها)
- نتیجه مطلوب: فعال‌سازی تعقل به منظور دستیابی به عزم جازم منتهی به عمل
- ★ دوره محارم**
دوره فهم حریم‌های الهی و هشجاری نسبت به رعایت آنها (با توجه به واژه محذره)
کتابها:
- نکته: در این دوره لازم است در کنار کار تدبیر، طرحی برای آموزش، تثبیت و پیاده‌سازی احکام شرعی (چه حقوقی و چه اخلاقی) اجرا شود؛ در حال حاضر کتاب صالح‌سازی اعمال در چنین سیاقی می‌گنجد، اما به نظر کافی نیست؛ یک پیشنهاد در این باره، ارایه یک طرح مطالعاتی-
۱۱. تدبر روایی ۱ (با تاکید بر بسط سوره با روایت و دعا و نه بسط روایت و دعا با سوره)
۱۲. کتاب از پرسش تا پاسخ (جلد ۱۳ فعلی؛ البته بنده آشنایی ندارم و تقریباً فقط بر اساس نام آن تشخیص داده‌ام.)
- نتیجه مطلوب: توانایی نگاه تفصیلی داشتن؛ شناختن راه از بیراهه (هایی که حتی ممکن است منع شرعی صریح نداشته باشد)؛ توانایی خروج از ابهام و در نتیجه رسیدن به استمرار در حرکت
- ★ دوره براهین**
دوره بی‌نیاز شدن از هر چه غیر قرآن و عترت است (با توجه به واژه کافیه)
کتابها:
- تدبر ادبی ۲ (همین کتاب ارزشمند فعلی)
 - کتاب برهان
 - تدبر کلمه‌ای ۲ (استخراج یا نزدیک شدن به معنای کلمه‌های سوره با صرفاً رجوع به خود سوره، قرآن و ادعیه)
- نتیجه مطلوب: رفع هرگونه رجس قلبی ناشی از عدم رجوع به عقل، برطرف شدن تیرگی‌ها و تردیدهای قلبی و دستیابی به شهود واضح حقایق؛ توانایی انتقال و انتشار حقایق صحیح قرآن با بیان رسا و متفنن به دیگران
- ★ دوره فضایل**
دوره به اوج رسیدن زیبایی‌ها (با توجه به واژه مندوبه)
کتابها:
- تدبر ادبی ۳ (همین کتاب محترم فعلی، چرا
- عملیاتی برای یادگیری و اجرای رساله عملیه است؛ در این خصوص می‌توان احکام مبتلی به را به نسبت محور نماز جامایی و آموزش داد.
۶. تدبر مدنی ۱ (با تاکید بر روش‌های تدبیر مدنی البته روی تک سوره‌ها به منظور آسیب‌شناسی و رفع آنها با رجوع به ساختار اسماء الهی سوره)
۷. پیشنهاد برای نگارش کتاب) تدبر در آیات الاحکام (یا روشهای تدبیر در احکام با محوریت سوره‌های احکامی مثل مائده، نساء و حجرات)؛ البته هدف این کتاب به جان نشستن احکام و غایت آنهاست نه استنباط احکام)
- نتیجه مطلوب: فعال‌سازی قوه هشجاری و حذر + شناخت مواقف شبهه و فعال‌سازی قوه احتیاط عقل‌محور در این مواقف؛ یعنی متدبر در پایان این دور بداند که مواقف ایستادنش، درنگ کردنش و تحیرش کجاها باید باشد؛ این تحیر و درنگ، او را به رجوع به احکام در این مرحله و یا آمادگی برای مرحله بینات در مرحله بعد می‌رساند.
- ★ دوره بینات**
دوره خارج‌شدن از ابهام و آشکار شدن مسیر درست (با توجه به واژه جالیه)
کتابها:
- تدبر قرآن به قرآن
 - تدبر مکی/مدنی ۲ (رسیدن به نقشه‌های تفصیلی بین دسته سوره‌های مکی و نیز بین دسته سوره‌های مدنی)
 - تدبر کلمه‌ای ۱ (منظور همان کتاب ارزشمند تدبر کلمه‌ای فعلی است).

که به تدبیر در قالب‌های ادبی و بیانی می‌پردازد و با این مقام، مناسبت خاصی دارد).
 ۱۷. تدبیر روایی^۲ (تدبیر در دعا و روایات با محوریت بسط آنها با رجوع به قرآن)
 ۱۸. تدبیر در ساحت بیت (و همچنین جامعه؛ و در همین راستا، کتب ساختار وجودی): البته با رویکرد آموزش روش استخراج حقایق این موضوعات از قرآن

نتیجه مطلوب: در دوره قبل، رسیدن به شهود درونی و قابلیت انتقال متقن حقایق به دیگران مد نظر بود؛ در اینجا به شکوفایی هر چه بیشتر رساندن حقایق در درون و اوج گرفتن تجلی زیبای آن در بیرون مد نظر است؛ به گونه‌ای که امر مبارک «کونوا دعاه الناس بغير السنتمکم» محقق شود.

★ دوره رخص

دوره بهره‌مندی خود و جامعه از بخشش‌های الهی که بی‌منتهی، غیر ممنون و خارج از محاسبات ظاهری است. (با توجه به واژه موهوبه)
 کتابها:

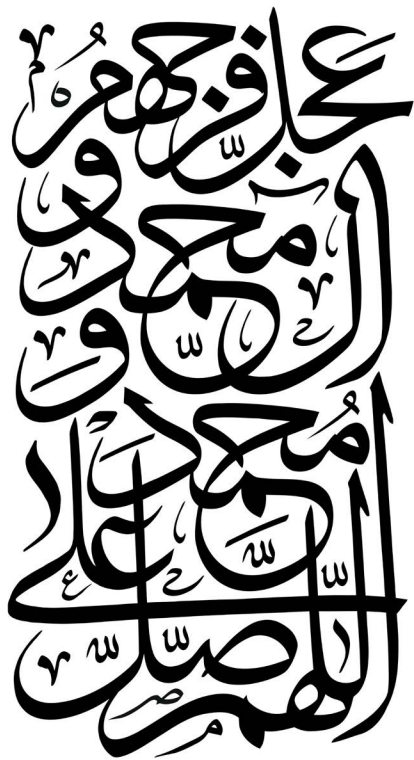
۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲: کتابهای چهار جلدی از موضوع تا عملیات

۲۳. تدبیر در دعا (با رویکرد ارزشمندی که اکنون در جلسات صحیفه فاطمیه برگزار می‌شود).

نتیجه مطلوب: شناخت مواضع بسط ید و بهره‌گیری از آن برای بهره‌مندی امت اسلامی از مواهب الهی (توجه شود که در این مقام، اهمیت دوره محارم که در آن چگونگی شناسایی موافق شبهه آموخته می‌شد، اهمیت و جلوه خاصی پیدا می‌کند؛ تا مقام بسط ید با موقف شبهه، اشتباه گرفته نشود).

★ دوره شرایع

دوره تثبیت و اجرایی کردن قوانین الهی به تفصیلی‌ترین شکل ممکن در ساحت فردی و جامعه‌ای



کتابها:

۲۴. (پیشنهاد نگارش کتاب) روش‌های تدبیر در آیات محکم و متشابه: از جمله لازم است در این کتاب، نحوه شناسایی آیات محکم و بهره‌مندی از آنها و چگونگی رجوع آیات متشابه به این محکمت آموخته شود؛ همچنین اگر کتاب «برهان» را در راستای استخراج دستگاه منطقی و استنباطی قرآنی بدانیم، این کتاب، در راستای

استخراج اصول فقه (فقه متداول حوزه‌های پربرکت علمیه) قرآنی خواهد بود، ان شاء الله. (ضمناً در این راستا مقدمه آیت الله جوادی آملی بر تفسیر المیزان مبنی بر اینکه مرحوم علامه آیات متعددی را در تفسیرشان به عنوان آیات غرر و محکم معرفی کرده‌اند قابل توجه است).

• ۲۵. (پیشنهاد نگارش کتاب) فقه تدبری: استخراج احکام شرعی تفصیلی برای تمام شئون زندگی با بهره‌گیری مکرر (یعنی توسعه مداوم و فزاینده فهم) و بدون «تفاوت» و «اختلاف» از تقلین

• ۲۶. روش‌ها و کتاب‌های نزول اسماء در زندگی برای عرصه‌های تخصصی (آن چه که در حال حاضر با عناوین علوم پایه، علوم انسانی، طب، روانشناسی و ... دسته‌بندی می‌شود و البته این دسته‌بندی بدیهی نیست و ممکن است نیاز به بازنگری بر مبنای قرآن و ساختارهای وجودی مستخرج از آن داشته باشد).

نتیجه مطلوب: حرکت در راه ویژه و مخصوصی که حضرت پروردگار برای تک‌تک آنات و قدم‌های زندگی ما ترسیم فرموده است؛ در واقع، این مقام، همان مقام ملازمت نفس به نفس و تأم با امام است؛ طوری که معاذ الله نه تقدم باشد که منجر به مارق شدن شود و نه تاخر باشد که منجر به زاهق شدن شود.

نکته مهم و نقص جدی پیشنهاد بنده

در هر یک از این مقام‌ها، نسبت متدبر با امام تبیین و اظهار نشده است. همچنین، گفته نشده است که این پیشنهاد برای دوران غیبت است یا دوران ظهور است و این دو دوره، چه تاثیری در تنظیم نظام تدبیر می‌گذارد.

✿ پاسخ ۳: کاظم رجبعلی

- حجج (معیارهای متقن) که منوره (روشن شده) باشند: هریک از درس‌های مقدمات تدبیر
- عزائم (اوامر و نواهی قطعی) که مفسره (قابل تشخیص) باشند: درس اوامر و نواهی تدبیر
- محارم (حرامها) که محذره (قابل بازداشتن) باشند: درس قالب‌های ادبی و بیانی تدبیر^۲
- بینات (حقایق روشن) که جالیه (عیان‌کننده) باشند: درس عرف قرآن، تدبیر^۵
- براهین (واضحات در مراتب و عرصه‌ها) که کافیه (برطرف‌کننده نیاز) باشند: درس مفهوم و مصداق تدبیر^۳
- فضائل (امتیاز و توان‌ها) که مندوبه (به‌اختیار واگذاشته شده) باشند: درس حقایق و بروزات تدبیر^۴
- رخص (معافیت‌ها) که موهوبه (عطا شده) باشند: درس محکم و متشابه در تدبیر^۵
- شرایع (تکالیف) که مکتوبه (ثبت شده) باشند: دسته سوره حوامیم تدبیرمکی

✿ پاسخ ۴: راحله دوستی

طرحی که بنظر بنده رسید استخراج اصول فهم قرآن از تمامی کتابهای تدبیر قرآن و سپس دسته‌بندی کردن آنها بر اساس خطبه بود که متأسفانه تا به الان امکان تکمیل آن فراهم نشده است و نیاز به زمان دارد.
 بنظر می‌رسد همانطور که دوستان در گروه مطرح کرده‌اند در کتابهای انواعی از شیوه‌های ارائه دستیابی به حجت و برهان به مدد سوره‌ها ارائه شده است و اگر همه آنها به صورت یک مجموعه که فقط اصول فهم قرآن در آن گفته شده است، جمع‌آوری شود، امکان دسته‌بندی آنها به شیوه‌های مختلف مطرح شده در خطبه را خواهد داشت.



حضرت امام موسى كاظم (عليه السلام) فرمودند:
به راستی که فاطمه صدیقه شهیده است

قال الإمام موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام)
إن فاطمة صدیقه شهیده